

اشرافیتی که به آندلس رفت!

حسن کلودی

اجتماعی



نخوت با آنهارفتار می نمودند و همچنان که در ابران در دوره امویان دیده شد، این جا هم در صدد برآمدند که آن‌ها را از مشاغل عالی دولتی محروم و از ادارات خارج سازند.^۲

چنین روحیه و منشی حتی با سقوط حکومت امویان و به دست گرفتن قدرت توسط بنی عباس تغییر نیافت و تبعیض، تبارگرایی و عصبیت‌های جاهلی به گونه‌ای خاص در قلمرو آندلس خود را نمایان ساخت تا جایی که ابن خلدون از این نگرش دولتمردان آندلس به عنوان یکی از عوامل پدید آمدن نبردهای خونین در بین مسلمانان یاد می کند. وی در این باره می گوید: «اگر به لشکر کشی و جنگ‌های تابستانی آنان بنگریم و مشاغل بزرگی را که عهده دار شده‌اند در نظر آوریم، ثابت می شود که این گونه اعمال و مقامات راجز کسانی که به میزان کافی قدرت و عصبیت دارند ممکن نیست دیگری برعهده گیرد و انجام دهد؛ اما شنونده هنگامی که شرح حال آنان را می خواند در این باره اشتباه می کند و به توجیه

عادات و احوال برخلاف آنچه بوده می پردازد. و بیش تر کسانی که دچار این غلط کاری می شوند، کومه نظرانی از مردم این روزگار آندلس اند که در آن کشور مقرض گردیده و از سیرت خداوندان عصبیت نیز خارج شده‌اند و از این رو انساب عربی آنان همچنان محفوظ مانده است ولی فاقد وسیله غلبه و ارجمندی می باشند که همان عصبیت و یادگیری به یکدیگر است، بلکه این گروه در شمار رعایای گمنامی در آمده‌اند که در زیر قیود سنگین قهر و غلبه به بندگی و خواری گرفتار آمده‌اند و گمان می کنند تنها از راه همین انساب اگر به کار دولتی گماشته شوند می توانند به وسیله آن غلبه و فرمانروایی به دست آورند.»^۳

پرواضح است چنین نگاهی که موجب شکاف بین عامه مردم و دولتمردان شد، از عوامل محوری سقوط آندلس به شمار می رود که در چند سال گذشته در مدیریت میانی کشور و حزب گرایی و تمامیت خواهی برخی از کارگزاران نظام، خود را نشان داده است و بی شک چنین نگرش تبعیض آمیزی در خلق و خوی کاخ نشینی و برخورد قیم مآبانه با مردم می تواند در سوق دادن جامعه به سوی اشرافیتی همراه با تبعیض در گزینش و... تاریخ آندلس را در این سرزمین تکرار سازد.

پی نوشت‌ها

۱. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۲۲۴.
۲. همان.
۳. تاریخ عرب و اسلام، امیر علی، ص ۴۶۲.
۴. مقدمه ابن خلدون، تألیف عبدالرحمن بن خلدون، ترجمه محمد پروین کنابادی، ص ۵۶ و ۵۷.

بی شک اگر فرهنگ عدالتخواهانه، عدالت گستر و ساده زیستی تشیع به آندلس راه می یافت، امروزه این منطقه پاره‌ای از جهان اسلام بود؛ ولی افسوس که پس از فتح آندلس توسط سران اسلام، اشرافیت و نظام طبقاتی حاکمان بنی امیه به این سرزمین راه یافت و جانشین همان نظام طبقاتی در آندلس پیش از اسلام شد.

«هنگام فتح اسلامی و پس از آن، دسته‌هایی از مسلمانان عرب و بربر به آندلس پا نهادند. نخستین مهاجران عرب گروهی بودند که ضمن سپاه ۱۸ هزار نفری موسی بن نصیر در رجب ۹۳ راهی آندلس شدند، سپس ۴۰۰ تن از افریقیه همراه حر بن عبدالرحمان ثقفی - والی آندلس - در ذیحجه ۹۷ به این سرزمین آمدند، آنان هر چند نسبت به ساکنان اصلی در اقلیت بودند اما هسته اشرافی‌گری جدیدی را پدید آوردند، به گونه‌ای که جانشین اسلاف رومی و گوت‌ها گشتند و تا پایان حکومت اسلامی آندلس، تفوق خود را حفظ کردند.»^۱

اشرافیت بنی امیه با ورود به آندلس به ساختار سازمانی و نظام طبقاتی این سرزمین دست نزد. «اساس اولیه تقسیم آندلس همان تقسیم رومی و گوتی است، یعنی نظام شهرهایی بزرگ با ولایتی گسترده شامل شهرهای کوچک‌تر، قریه‌ها و دژها.»^۲

چنین برخوردی موجب شد تا مسیحیان در عرصه ساختار اجتماعی و اداری با تحولی جدی روبه‌رو نشوند و هیچ گاه با فرهنگ غیر طبقاتی اسلام آشنا نگردند، نگاه تبعیض آمیز و طبقاتی حاکمان بنی امیه حتی نسبت به مسلمان غیر عرب هم خود را به منصفه ظهور رساند. امیر علی می نویسد: «اعراب خالص النسل «بلادیون» یعنی بومیان و مولد را به نظر پست دیده، به طور کبر و